

وعده‌های شناور طالبان

عباس عبدي

با آمدن طالبان چند پرسش نیز اهمیت یافته است، از جمله اینکه آیا آنان به وعده‌های خود عمل خواهند کرد؟ آیا باید به آنان اعتماد کرد؟ اصولاً کدام وعده را داده‌اند که باید به انجام آنها امید داشت؟ بهتر است به این نوع پرسش در سطح کلی‌تری پاسخ دهیم که وعده‌های سیاستمداران تا چه حد قابل اعتماد است؟ چه از سوی طالبان باشد و چه از سوی دیگران. برای این کار باید چگونگی تحقق‌پذیری وعده‌ها را کالبدشکافی کرد. برخی وعده‌ها منطقی و غیرقابل تحقق هستند. اگر وزنه‌برداری وعده دهد که به زودی وزنه 500 کیلوگرمی را برمی‌دارد، روشن است که کسی از او نمی‌پذیرد. اگر پذیرفت، مشکل متوجه کسی است که این وعده غیرممکن را پذیرفته است و بعداً که محقق نشد، نباید وعده‌دهنده را سرزنش کند. بسیاری از وعده‌های اقتصادی غیرمعقول‌تر از وعده زدن وزنه 500 کیلوگرمی در وزنه‌برداری است. کسی که می‌گوید سالانه 3 میلیون شغل در ایران ایجاد خواهد کرد و در ضمن ضد برجام است، چیزی را می‌گوید که به مراتب ناشدنی‌تر از برداشتن وزنه حتی 1000 کیلوگرمی است. هیچ‌کس نباید به این نوع وعده‌ها دل بندد و اگر بست مشکل از عدم درک خودش است و نه وعده‌دهنده. برخی وعده‌ها کشدار هستند. کسی که می‌گوید به زودی وزنه خوبی و در چارچوب توانم می‌زنم، قطعاً راست می‌گوید، البته هر وزنه‌ای را بلند کرد همان می‌شود وعده داده شده او. کسی که می‌گوید همه مردم و مذاهب و اقوام و زنان در چارچوب اسلام آزاد هستند ولی تعیین نمی‌کند که این چارچوب چیست، فرداً هر اتفاقی بیفتد همان اتفاق تحقق وعده اوست، زیرا خودش آن چارچوب را تعریف می‌کند و برای هر کسی هر حقوقی که خواست تعریف و عمل می‌کند. مثل کسی که تیری را رها می‌کند، بعد دور محل اصابت را به نشانه هدف خط می‌کشد.

برخی وعده‌ها واقعی هستند، ولی در شرایط حال و آزمایشگاهی، وزنه‌بردار می‌گوید وزنه 150 کیلوگرمی را می‌زند، وعده عملی و خوبی هم هست، ولی هنگام آزمون، حادثه‌ای برای او پیش می‌آید و به لحاظ روحی و روانی و سپس جسمی دچار مشکل می‌شود و حتی نزدیک به این وزنه را هم نمی‌تواند بلند کند. خیلی راحت می‌گوید نمی‌تواند وعده خود را عملی کند. از این نوع خلف وعده‌ها در سیاست تا بخواهید هست. هر چه وعده کلی‌تر باشد، سیال‌تر هم هست، هر کسی از منظر خود آن را تعریف

می‌کند. يك علت تفاوت ورزش با سایر امور این است که در ورزش قهرمانی اهداف بسیار روشن و تعریف شده هستند و هر وعده‌ای قابل سنجش است، ولی در سیاست چنین نیست. اهداف و کلمات بیان‌کننده وعده‌ها به‌طور معمول کلی و سیال هستند و دایره هدف آن قدر بزرگ گرفته می‌شود که هر تیراندازی با هر توانایی داشته و نداشته که تیر بزند، به هدف خواهد خورد! با این ملاحظات که خیلی هم مختصر بود، آیا به وعده‌های طالبان باید اعتماد کرد؟ اول باید پرسید که چه وعده‌ای داده‌اند؟ گرچه طالبان تغییر کرده است که جداگانه به متن پرداخته خواهد شد، ولی سخنگوی طالبان در مصاحبه خود هیچ چیز جدیدی نگفت که خلاف آموزه‌های قبلی آنان باشد و به منزله وعده جدید و خارق‌العاده تلقی شود. حتی درخصوص ارتباط با گروه‌های جهادی غیرافغانستانی نیز خیلی کلی پاسخ داد و آن را رد نکرد. تنها به این نکته اشاره کرد که از خاک افغانستان تهدیدی علیه هیچ کشوری صورت نخواهد گرفت! اینکه او می‌گوید حقوق دیگران و زنان در چارچوب اسلام است یا حتی در زمینه حقوق بین‌الملل نیز گفت: طالبان به قوانین بین‌المللی احترام می‌گذارد، اما قوانین شریعت هم باید رعایت شود؛ نشان می‌دهد که هیچ چیزی را جز در چارچوب شریعت نمی‌پذیرند. این مهم‌ترین وعده آنان است. ولی نکته این است که مردم افغانستان و حتی همسایگان آن با این وعده مشکلی ندارند، مشکل اینجاست که دیگران از این وعده برداشته‌های متفاوتی از طالبان دارند. مرجع تشخیص اسلام کیست؟ هم‌اکنون نیز حکومت افغانستان با پسوند اسلامی شناخته می‌شود و اسلام چیز جدیدی نیست که بخواهد برای حکومت افغانستان به ارمغان آورد. اگر مرجع تشخیص اسلامی بودن، عرف عمومی جامعه از خلال انتخاب آزاد نمایندگان مردم است، در این صورت اختلافی باقی نمی‌ماند. ولی اگر مرجع تشخیص اسلام، شورای فتوای طالبان است که دیگر بحثی باقی نمی‌ماند. آنان می‌توانند هر مخالفی را به گلوله ببندند، زنان را از همه حقوق اسلامی (آن طور که ما می‌فهمیم) محروم کنند، اقوام و مذاهب را به نام اسلام سرکوب کنند و... و در عین حال همه اینها نشان‌دهنده انجام وعده‌های داده شده طالبان خواهد بود. در این باره باز هم خواهیم نوشت که آیا طالبان تغییر کرده؟ و آیا قابل اعتماد است؟ برای پاسخ به این پرسش که آیا طالبان تغییر کرده است یا خیر، می‌کوشم که متن یکی از افراد مطلع نسبت به امور افغانستان در این باره را تقدیم کنم.